



بحران آب، لباس فرم مدرسه را بی کیفیت کرد

بحران آب به بازار پوشاک مدرسه رسید. به گزارش ایسنا، اكرم عیوض خانی، عضو اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران از آغاز قیمت لباس فرم مدارس از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان خبر داد و گفت: برخی مدارس غیرانتفاعی تا ۷ میلیون تومان نیز بابت لباس فرم از خانواده‌ها دریافت می‌کنند؛ این در حالی است که به دلیل کم‌آبی و سطحی‌تر شدن فرآیند رنگرزی، کیفیت پارچه‌ها نیز کاهش یافته است. حداقل قیمت لباس‌های دوره متوسطه نیز بسته به نوع پارچه بین یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است. البته اتحادیه معمولاً تفاوت دوخت و پارچه را در نظارت‌های خود در نظر می‌گیرد. وی با اشاره به مشکلات بخش تولید و افزایش هزینه‌ها به دلیل قطعی برق و ناترازی انرژی، تصریح کرد: از طرف دیگر مشکل کم‌آبی در کارخانه‌های رنگرزی، باعث شده این مرحله سطحی‌تر انجام و در نتیجه کیفیت پارچه‌ها افت داشته باشد. این مشکل باعث شده حتی در پارچه‌های بر خی کارخانه‌ها بالاترین کیفیت هم دورنگی دیده شود.



۳۰ هزار تن پنبه وارد کشور شد

۳۰ هزارتن پنبه از ابتدای سال وارد شد. به گزارش باشگاه خبرنگاران، محمدحسین کویانی، مدیرعامل صندوق پنبه گفت: برنامه وزارت جهاد برای سطح زیرکشت پنبه امسال ۱۱۱ هزارهکتار با عملکرد ۳ تن و ۷۰۰ کیلو در هکتار بوده است که از نظر سطح کشت و عملکرد به این اعداد نخواهیم رسید چراکه به‌دلیل عدم حمایت دولت از این محصول، سطح زیرکشت هم‌ساله کاهش دارد. به گفته وی، در سنوات قبل ۳۵۰ هزارهکتار پنبه کاری در کشور داشتیم، درحالی‌که امسال سطح کشت پنبه ۸۰ تا ۸۵ هزارهکتار است. متأسفانه زراعت پنبه به‌رغم عدم صرفه اقتصادی، کشاورزان در اراضی که به جزپنبه محصول دیگری نمی‌توانند کشت کنند، اقدام به کشت آن می‌کنند.

ادامه سرمقاله

مردم سال‌هاست که به این برنامه‌ها رفته‌اند. کنسرت آزاد و بدون ورودیه و بلیط با هدف احیای نشاط و شادی در مردم از هر گروه و قشری و به نام ایران و برای ایران به‌ویژه پس از این جنگ، خواهان‌خواه اثر سیاسی و بازدارندگی دارد و پیام روشنی برای همه است که نگاه بهتری در داخل در حال ترویج است. مادر پی ورود به جزئیات اقدامات منتهی به لغو کنسرت از سوی شهردار تهران و خاطیان تندرو آن نیستیم. چون هیچ جزئیاتی توجیه‌گر لغو چنین برنامه راهبردی نیست. ترس از حضور مردم برای هر دوپال مخالف، مسئله و انگیزه اصلی است و بقیه بهانه است. قطعاً موافقیم که اجرای آن در میدان آزادی با مشکلاتی همراه بود، ولی فلسفه این برنامه بسیار فراتر از آن بود و هست که کسی نگاه به مشکلات جزئی کند. همچنان که مشکلات برنامه‌های مشابه هم تحمل می‌شود. آثار مثبت دفاعی و روانی این برنامه چنان است که اصولاً نیازی به دخالت دادن مشکلات جزئی در تصمیم‌نهایی نیست و باید همه آنها را یا برطرف کرد یا تحمل نمود و پذیرفت. این بهانه را آقای شجریان به‌خوبی در متن خود پاسخ داده و نوشته‌اند که: «جلسات و بررسی‌هایی که این چند روزه انجام شده کاری است که می‌بایست قبل از موافقت با درخواست ما در دو ماه گذشته انجام می‌شد.» بنابراین، معلوم است که تغییر رویکردی رخ داده و موانع و مشکلات جزئی فقط بهانه است.



زیان‌سازی شرکت‌های بورسی



هلن عصمت‌پناه

کارشناس بازارسرمایه

وقتی درباره زیان‌سازی شرکت‌ها صحبت می‌کنیم، ذهن بسیاری به سمت ضعف مدیریت داخلی یا ناکارآمدی نیروی انسانی می‌رود. اما واقعیت صنایع بزرگ ایران متفاوت است. شرکت‌هایی مثل فولاد مبارکه، ملی مس، ایران خودرو یا حتی پتروشیمی‌ها، نه به‌خاطر نداشتن توان تولید، بلکه به دلیل ضعف سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و بحران انرژی دچار افت ارزش شده‌اند. در این یادداشت تلاش می‌کنم لایه‌های پنهان این زیان‌سازی را بررسی کنم.

بخش اول: دام انرژی و انرژی: در ایران، بازی نرخ ارز و انرژی برای بنگاه‌ها به یک تله بزرگ نرخ‌گذاری دوگانه تبدیل شده است. کارخانه‌ها مواد اولیه و تجهیزات را با دلار آزاد می‌خرند، اما باید محصول را با نرخ دستوری بفروشند. یعنی هر چه بیشتر تولید کنند، بیشتر ضرر می‌دهند. **بخش دوم:** نبود نوسازی تکنولوژی: شرکت‌های بورسی ایران در ۱۰ سال اخیر به‌روزرسانی تکنولوژی نداشته‌اند. نه خط تولید مدرن، نه دیجیتال‌سازی فرایندها. تصور کنید یک کارخانه ۲۰ سال بدون به‌روزرسانی تجهیزات کار کند، درحالی‌که رقبای خارجی هر ۵ سال نسل جدید ماشین‌آلات را وارد می‌کنند و مدرنیزه و اتوماتیک هستند. در این رقابت، حتی اگر نیروی انسانی قوی باشد، محصول نهایی از نظر هزینه و کیفیت عقب می‌ماند. این همان اتفاقی است که برای فولاد و پتروشیمی ایران افتاده است.

بخش سوم: مدیریت دولتی و تعارض منافع: در دنیا، مدیران بنگاه‌های بزرگ بر اساس کارنامه حرفه‌ای انتخاب می‌شوند، اما در ایران غالباً انتخاب مدیران این چنین نیست. لذا اکثراً فاقد انگیزه بهره‌وری‌اند. این یعنی ضربه مستقیم به افزایش بهره‌وری یا سرمایه‌گذاری واقعی. **بخش چهارم:** هزینه پنهان رانت: وقتی محصولات شرکت‌ها پایین‌تر



محمد غفوری

کارشناس بازارسرمایه

از سال ۱۳۹۹ تاکنون، نرخ بهره در اقتصاد ایران روندی صعودی داشته و به سطحی رسیده که بازار پول را به جدی‌ترین رقیب بازار سرمایه بدل کرده است. این رشد مداوم، ضمن هدایت سرمایه‌ها از بورس به سمت سپرده‌گذاری بانکی، تأمین مالی شرکت‌ها را با مانع جدی روبه‌رو کرده است. کاهش توان تولید و رکود در بخش‌های کلیدی اقتصاد، در کنار فشار تحریم‌های بین‌المللی، وضعیت را پیچیده‌تر کرده و سایه سنگین خود را بر عملکرد صنایع بزرگ انداخته است. شرکت‌هایی چون فولاد مبارکه، تولیدکنندگان سیمان و صنایع غیرنفتی، با خطوط تولید قدیمی و تجهیزات به‌روزرسانی‌نشده فعالیت می‌کنند. این فرسودگی تکنولوژیک، بهره‌وری و توان رقابتی آن‌ها را کاهش داده، درحالی‌که

تکلیف بنگاه‌های کوچک و متوسط چه خواهد بود؟ این واحدها نه پشتوانه مالی جدی دارند و نه دسترسی به رانت‌های انرژی و ارز. به همین دلیل، احتمال فروپاشی زودهنگام آن‌ها به‌مراتب بیشتر است. وضعیت امروز صنایع کوچک و متوسط همچون آتشی زیر خاکستر است. بحران انرژی و سیاست ارزی معیوب می‌تواند موجی از تعطیلی‌ها و ورشکستگی‌های زنجیره‌ای را رقم بزند؛ پدیده‌ای که پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه خواهد داشت. در حال حاضر ناترازی انرژی و سیاست‌های ناکارآمد نه‌تنها آینده صنایع بزرگ را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند ساختار اقتصادی کشور را با لرزش‌های خطرناک مواجه کند که می‌تواند ضعف توان رقابتی، افزایش بیکاری، کاهش درآمدهای ارزی را در کوتاه‌مدت در پی داشته باشد. درحالی‌که به واسطه تحریم‌ها بنگاه‌های اقتصادی از رقبای منطقه‌ای خود نظیر ترکیه، هندو... عقب افتاده‌اند، تنش‌ها و سیاست‌گذاری‌های داخلی می‌تواند شرایط بنگاه‌های اقتصادی را وخیم‌سازد و کشور هر روز بازارهای بیشتری را از دست بدهد.

دومین مولفه را می‌توان افزایش بیکاری هادانست؛ در حال حاضر تورم و دیگر مشکلات اقتصادی و سیاسی دست به دست یکدیگر داده‌اند تا تعدیل نیرو توسط کارفرما افزایش یابد و ادامه‌دار بودن این موضوع تبعات اجتماعی و اقتصادی سنگینی را در پی داشته باشد. مهمترین مسئله کاهش درآمدهای ارزی است. تحریم‌ها در کنار افت صادرات صنایع بزرگ همانند فولاد و پتروشیمی باعث می‌شود که تراز تجاری منفی شده و فشار بیشتری به بودجه کشور وارد شود. کاهش ارزش دلاری و همچنین افت سودسازی تنها بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه باعث می‌شود اقتصاد کشور نیز عقبگرد داشته باشد و در نهایت تمام این موارد دست به دست یکدیگر می‌دهند که تورم و شرایط اقتصادی دامن گیر اقتصاد کشور شود.

➤ لزوم تغییر سیاست‌ها

عبدالله باباخانی، کارشناس انرژی با اشاره به افت تولید و سودآوری فولاد خطاب به رئیس جمهور، مسعود پزشکیان، هشدار می‌دهد: پیش از آنکه همه زیربنای کشور نابود شود، همین امروز مدیران حوزه انرژی را تغییر دهید و برای یک دوره، به‌جای مدیران سیاسی، از مدیران نخبه‌وملی استفاده کنید. ادامه مدیریت سیاسی و غیرکارشناسی در حوزه انرژی مساوی است با نابودی تدریجی ستون‌های صنعت ایران. فولاد مبارکه تنها یک نمونه است؛ فردا ممکن است صنایع دیگر نیز یکی پس از دیگری فروپاشند.

کاهش ارزش دلاری بنگاه‌های بزرگ صنعتی و اقتصادی ایران طی سال‌های گذشته زنگ خطر جدی را برای اقتصاد کشور به صدا درآورده است. اگر نگاهی به بازارهای پندنازیم رشد افسارگسیخته نرخ دلار و طلا، از سوی دیگر افت ادامه‌دار بورس نشانگر آن است که صنایع کشور شرایط خوبی را تجربه نمی‌کنند و عدم توجه، سیاست‌گذاری‌های جدید می‌تواند شرایط را برای مردم کشور وخیم سازد. اگر امروز به شرایط توجه نشود با توجه به از دست رفتن بازار، نابودی تجهیزات و کاهش تولید به‌نظر می‌رسد که در آینده نیز اقتصاد کشور از این شرایط نجات پیدا نکند. باباخانی با توصیف شرایط در نهایت نوشت: صنعت ایران قربانی بی‌مدیریتی در حوزه انرژی و سیاست ارزی است و بقای آن در گرو اصلاحات فوری و بنیادین.

مشکلات ناترازی عرضه در فصول مختلف فشار مضاعفی بر سودآوری وارد کرده است. طرح موضوع بازگشت تحریم‌ها، بر چشم‌انداز سودآوری صنایع صادرات‌محور که عمدتاً صنایع سنگین و دلاری هستند سایه انداخته است. این پیش‌بینی با احتمال افزایش هزینه‌های صادرات همراه است، با وجود همه چالش‌ها، بازار سرمایه از نظر نسبت P/B در یکی از ارزنده‌ترین دوره‌های پنج‌سال اخیر قرار دارد. اما آنچه بیش از هر عامل دیگری بر بازار سایه افکند، ترس ناشی از ریسک‌های سیستماتیک است.

ریسک‌های سیاسی، نوسانات ارزی، سیاست‌های مالی و مشکلات ساختاری صنایع، شبکه‌ای از موانع پیش‌روی رشد بورس ایجاد کرده است. کاهش این ریسک‌ها به‌ویژه در عرصه سیاست خارجی و در حوزه‌های کلان اقتصاد داخلی می‌تواند کلید بازگشت اعتماد و بهبود ارزش دلاری بازار سرمایه باشد.

ارز ایفا می‌کنند و کاهش سود آنها، توانایی سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه‌ای را محدود کرده و در بلندمدت رشد اقتصادی را کند می‌سازد. برای مثال، توقف پروژه‌های توسعه‌ای فولاد مبارکه به دلیل کمبود منابع مالی، ظرفیت تولید فولاد کشور را در معرض خطر قرار داده است. همچنین، افت ارزش سهام این شرکت‌ها در بورس، اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش داده و خروج سرمایه به سمت دارایی‌های غیرمولد مانند طلا و ارز را تشدید کرده؛ که این امر می‌تواند به تورم و بی‌ثباتی اقتصادی منجر شود. کاهش درآمدهای مالیاتی این شرکت‌ها نیز فشار بر بودجه دولت را افزایش داده و مشکلات مالی دولت را تشدید می‌کند.

برای برون‌رفت از این بحران، اصلاح سیاست‌های قیمت‌گذاری، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی، تقویت مدیریت مالی و شفافیت در شرکت‌ها و پیگیری دیپلماسی فعال برای کاهش اثرات تحریم‌ها ضروری به نظر می‌رسد، زیرا بدون این اقدامات، نه‌تنها این شرکت‌ها در معرض زیان‌های بیشتر قرار می‌گیرند، بلکه اقتصاد ایران نیز با تهدیدات جدی‌تری مواجه خواهد شد که می‌تواند ثبات مالی و رشد اقتصادی را به مخاطره اندازد.

عقب‌گرد سودسازی در بازار

هزینه‌های تأمین مالی بسیار بالا رفته است.

سیاست‌های محدودکننده دولتی، از جمله عوارض صادراتی، فشار مضاعفی بر این بنگاه‌ها وارد کرده است. پیامد این تلاقی منفی، کاهش معنادار حاشیه سود به محدوده ۱۲ تا ۱۵ درصد بوده؛ سطحی که خطر استمرار آن، سرمایه‌گذاری و توسعه را در این صنایع تهدید می‌کند.

نمونه بارز این وضعیت، فولاد مبارکه است که ارزش بازارش از بیش از ۲۱ میلیارد دلار به حدود ۳/۵ میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است. این افت شدید، زنگ خطری جدی برای اقتصاد کشور و نشان‌دهنده فرسایش ظرفیت‌های تولیدی است. کارشناسان معتقدند بدون اصلاح سیاست‌های پولی، نوسازی خطوط تولید و بهبود فضای کسب‌وکار، روند نزولی بازار سرمایه و بخش تولید ادامه‌دار خواهد بود. در حال حاضر یکی چالش‌های اصلی صنعت فولاد قیمت‌گذاری و ناترازی انرژی است که با افزایش قیمت جهانی فولاد، پیش‌بینی می‌شود درآمد امسال به ۳۳۰ تا ۳۵۰ هزار میلیارد تومان برسد و نسبت‌های مالی شرکت بهبود یابد.

آگهی مفقودی

برگ سبز، سند کمپانی، کارت، کارت سوخت و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پژو تیپ ۵ PARSTU به رنگ سفید مدل ۱۳۹۵، شماره موتور ۲۸۳۰۵۶۹ شماره شاسی ۱۶۴B۰۱۰۱۲۹۹ شماره ۷۲۲۶۰ NAAN۱۱FE۲GHY۳۲۶۰ و شماره پلاک ۹۳ ایران ۱۱۷ د ۶۵ به نام حسین عباسی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۷۹ رنگ سبز زیتونی شماره موتور ۲۲۵۲۷۹۰۸۷۴۸ شماره شاسی ۷۹۳۱۰۶۹۹ شماره پلاک ۳۵ ایران ۴۴۳ ب ۵۱ بنام محمد تقی محمدی اقدم مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان دو لوکس مدل ۱۳۵۶ رنگ زنگاری روغنی شماره موتور ۶۰۰۹۳۴۴۶ شماره شاسی ۲۹۳۵۶۰ شماره پلاک ۶۸ ایران ۹۱۵ ط ۲۶ بنام یداله جعفر خانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان دو لوکس مدل ۱۳۵۶ رنگ زنگاری روغنی شماره موتور ۶۰۰۹۳۴۴۶ شماره شاسی ۲۹۳۵۶۰ شماره پلاک ۶۸ ایران ۹۱۵ ط ۲۶ بنام یداله جعفر خانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.